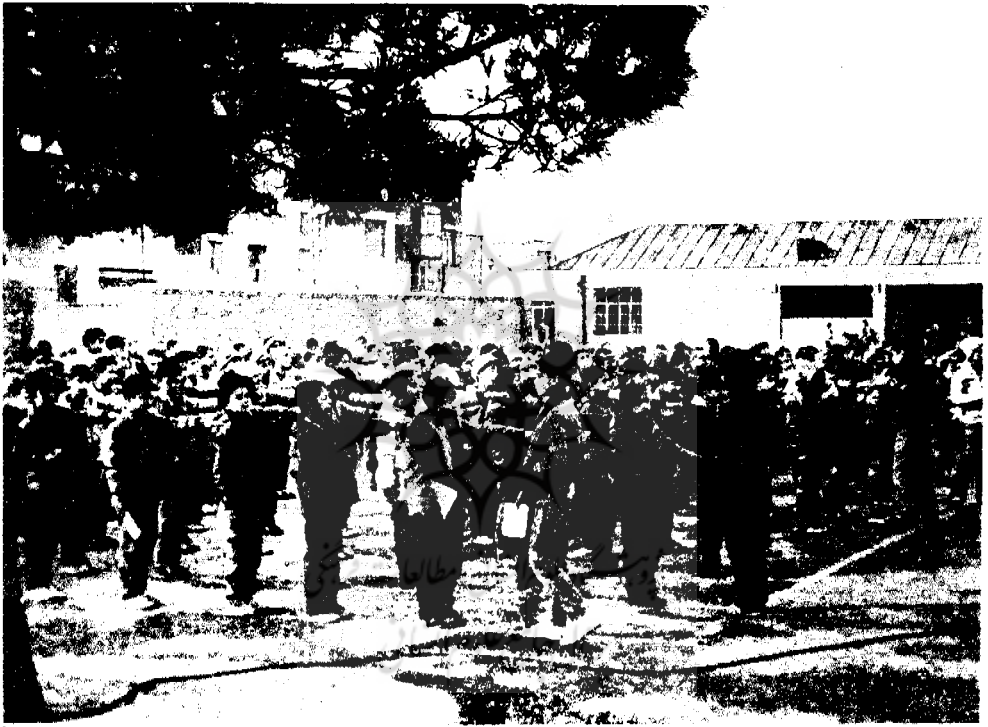


# ضرورت توازن در آموزش و دانش آموز



سیر و مقصد حمل کنیم ، این عمل " افراط" و زیاده روی نامیده می شود ، و نداشتن قدرت ، و نارسائی ظرفیت آن اتومبیل سوارى اضافه براینکه زیان فراوان ، و طاقت فرسای مادی ببار خواهد آورد . ضررهای معنوی و انسانی ، بر اعصاب ما وارد خواهد آمد که برای جبران آن ، جر حسرت و افسوس کاری نمی توان کرد !

اگر کامیون سنگین وزنی را از شیراز به مقصد تهران حرکت بدهیم ، و صرفاً " پنج کیسه" گندم با آن حمل کنیم ، این عمل "تفریط" و ریان مادی و انسانی حساب می شود ، و کامیونی که با بار بسیار کمتر از ظرفیت راه پیموده خود نیز خسارت و فرسودگی بیش از اندازه ؛ معمول دیده است ، همچنین اگر چند خروار بار سنگین را بوسیله یک اتومبیل سوارى ، در همان



تقریباً " استعدادها و ظرفیتهای ذهنی و فکری نوآوران و دانش آموزان را نیز در زمینه آموزش و یادگیری همه معارف ، و همچنین آموزش معارف و تعلیمات دینی ، می توان به مراحل ظرفیتهای دو انومیل سنکین ورن ، و انومیل سواری مانند کرد و برای اساس و معیار غذاهای مختلف فکری و روحی ، به آسان خورانید ، و آسان را بهره ور ساخت .

عبارت دیگر ، تفریط و کوتاهی و سامحه کاری ، درمورد تهیه و انتقال خوراک فکری و مواد آموزشی ، از سوی معلمان و آموزگاران نسبت به دانش آموزانی که ، نوان و استعداد و قدرت کشش ، مطالب و سواد درسی بالا و سنکین را دارند ، و درباره آسان چنین اقدام شایسته ای صورت نمی گیرد ، از لحاظ وجدان و عقل و شرع ، عملی ناروا و رفتاری ناپسند خواهد بود ، و حقوقی تضییع شده ، و نیروهائی به هدر رفته است همانطور که اگر ، نسبت به ظرفیتهای محدود ذهنی و فکری دانش آموزان ، و نیز در برابر استعداد ضعیف و نارسائی آنان ، مطالب و سواد سخت و سنگینی ارائه و تریق گردد ، افراط و بندروی و بی میالاتی صورت گرفته ، و از این راه نیز زیانهای منوجه؛ چنین نوبه بالایی گردیده است ، که گاهی جبران ناپذیر بوده و باید تا آخر عمر ، خسارت آنرا بپردازند .

باری ، اگر چه موضوع ریان افراط و تفریط را در آغاز این بحث در مسئله آموزش دانش آموزان بطور کلی مطرح کردیم و بررسی مسائل و مراحل " روانشناسی یادگیری " به معنی علمی و تخصصی کلمه در حوزه مسئولیت کارشناسان است ، اما منظور در این نوشتار اینست که زیان افراط و تفریط را در محور آموزش

تعلیمات اسلامی ، در سیستم کلاسیک ، که احیاناً " در سطح ابتدائی و متوسطه ، رفتارهای تند و خش ، و یا کند و عللیل گونه ای مشاهده می شود ، توضیحاتی ارائه گردد .

ناپسندی تفریط و سامحه کاری

درمورد معنی افراط گفته اند : **الْإِفْرَاطُ أَنْ تُسْرَفَ فِي السَّخِّمِ** : (۱)

افراط عبارت است از زیاده روی در پیش افتادن ، و تندروی و از حد تعادل و توازن تجاوز نمودن .

نقطه مقابل این شیوه؛ ناروا ، تفریط ، یعنی کند روی ، سامحه ، عقب ماندن ، و کوتاهی کردن و تنبلی نمودن ، برای رسیدن به حد توازن و بیل بآن میزان مسئولیتی است که شرع و قانون

و وجدان برعهده هر کسی ، درهرکاری گذاشته است .

درزمینه آموزش تعلیمات اسلام هم ، چنانچه مربی ، معلم و آموزگار نسبت به دانش آموز شیوه تفریط را پیشه سازد ، و از آنچه توان دارد ، و آنچه رانسبت به آموزش دیس لازم است معمول دارد ، خود داری یا مسامحه کند بی تردید از ادای مسئولیت خویش خودداری کرده ، و نیروهای مساعد و ظرفیتهای پذیرش دانش آموزان را ، خالی ، راکد و باطل

گونه افراد خواهد بود .  
بنابراین بطور کلی باید گفت : مسامحه و کوتاهی و بالاخره تفریط ، در موضوع آموزش تعلیمات اسلامی برای آموزگاران محترم ، نسبت به دانش آموزان عزیز ، در هیچ منطقی پذیرفته شده نیست ، و خود داری از ادای چنین مسئولیتی ، خطایی بزرگ و گناهی نابخشودنی است .

البته این بحث دامنه وسیعی دارد ، و ابعاد مختلف آن بطور جداگانه باید ، مورد



ارزیابی قرار گیرد ، به همین دلیل ، از این مرحله میگذریم ، و بیشتر روی زیانهای افراط و تندروری ، در مورد آموزش تعلیمات اسلامی نسبت به دانش آموزان در سیستم کلاسیک ، که زیانهای آنهم کمتر از زیانهای تفریط در این زمینه نیست ، محورهای زیر را ، مورد مطالعه و دقت قرار می دهیم :

اسلام شریعت سهل و آسان

همانطوریکه قرآن کریم ملت مسلمان را " امت وسط " (۲) نامیده است و در احکام و اعمال نیز " عُسْر " (۳) و تکلیف " (۵) و

گذاشته ، و نتوانسته است ، شکوفه های نعمت خدادادی استعدادها را به بار بنشاند .

بدیهی است چنانکه در مواردی چنین حالتی دامنگیرکسانی گردد ، غیر از اینکه در شرایط کنونی ، نوباوگان نسل انقلاب را نسبت به فرهنگ درخشان اسلام ، بی مایه و بیگانه گردانیده ، و با نادیده انگاشتن خونهای مقدسی که ، به خاطر اسلام ، و احیای فرهنگ قرآن بزمین ریخته می شود ، چنین کسانی انجام مسئولیت و ادای تکلیف نکرده اند و بخشی از مسئولیت انحراف و کمراهی آینده کسانی که امروز آموزش صحیح و سالم نیافته اند ، و آماده پذیرش انحرافات آتی گشته اند ، به عهده این

"حَرَجٌ" (۴) برای آنان روا نگردیده، استفاده می شود، اسلام شریعت سهل و آسان است، و موافق با طبع و مزاج انسان سلسله وظائفی را تنظیم کرده است.

این معنی در احادیث فراوانی هم آمده، که به عنوان مثال، چند مورد آنرا، مورد دقت قرار می دهیم:

۱ - پیامبر اسلام فرموده: **إِنَّمَا بُعِثْتُكُمْ مُبَسِّرِينَ وَلَمْ تُبْعَثُوا مُعَسِّرِينَ** (۶) شما برای سهل گیری و آسان کردن رافا آمده اید، نه برای سختگیری و اجبار.

۲ - همچنین میفرماید: **خُذُوا النَّاسَ بِالْمَيْسِرِ لَا تَتْلَوْهُمْ، فَإِنَّ الْمُؤْمِنِينَ رُقُقَاءُ رُحَمَاءُ** (۷) درباره مردم راه سهل و آسان را پیش بگیرید، و آنانرا خسته و آزرده نسازید زیرا اهل ایمان دوستان شما هستند، و باید مشمول رحمت و عطفوت شما واقع شوند.

۳ - باز آن حضرت میفرماید: **إِنَّ اللَّهَ أَبَدَلْنَا بِالرَّهْبَانِيَّةِ، الْحَنْفِيَّةِ السَّخَّةِ**. (۸) خداوند متعال در برابر رهبانیت و انزواطلبی و بر خود سخت گرفتن، گشایش و آسانی و روش بزرگواران و متین را بمن عطا فرموده است.

آمورش براساس استعداد

بطور کلی سخن گفتن و ارائه ارزشها، لازم است براساس توان و کشش و استعداد افراد صورت گیرد، و بدیهی است آموزش تعلیمات اسلامی هم نسبت به دانش آموزان نمی تواند از این قاعده مستثنی باشد. چنانکه تجاوز از این حد، افراط کاری است و زیانهای تلخی هم بدنیاال خواهد داشت.

البته نباید فراموش کنیم، آموزش خواه به صورت گفتار و ارائه معارف انجام شود و خواه آموزگار به منظور آموزش دانش آموز کتاب، جزوه، فیلم، نآتر و هرچیز دیگری را ارائه نماید، که بر سطح فکری و ذهنی دانش آموز سنگینی کند، و از ظرفیت ذهنی او، افزون اضافه باشد، درهر صورت این کار افراط محسوب می گردد، و معیارهای اسلامی آنرا نمی پذیرد.

پیامبر اسلام فرموده: **نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ عَدَا مَنَا أَنْ نَكَلِمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ** (۹) جماعت پیامبران ماموریت یافته ایم، با مردم براساس عقل و درک آنان، صحبت کنیم و معارف دین را آموزش دهیم.

همچنین آنحضرت فرموده است: **إِنَّ اللَّهَ أَرْسَلَنِي مُبَلِّغًا، وَلَمْ يُرْسَلَنِي مُتَعَنِّتًا** (۱۰) خداوند مهربان مرا به منظور تبلیغ و رساندن انسانها به مقصد تکامل مبعوث فرموده اما هرگز مرا برای خشونت و سختگیری ارسال نداشته است.

پیامبر فرمود: **عَلَيْكُمْ هَدْيًا قَاصِدًا، عَلَيْكُمْ هَدْيًا قَاصِدًا، عَلَيْكُمْ هَدْيًا قَاصِدًا، فَاتَّهَ مِنْ بِنَاءِ هَذَا الدِّينِ يَغْلِبُهُ** (۱۱)

موضوع هدایت و ارشاد توده های انسانی آنقدر مورد عنایت رسول گرامی اسلام بود، که جمله: هدایت برعهده شماست را، به منظور تاکید و حساسیت آن، سه بار تکرار کرده، و اضافه فرمود: هرکس شدت و سرسختی رادر اسلام بکار گیرد کار او مغلوب و بی نتیجه می ماند.

لطفاً ورق بزنید





لَا حَسْرَتَنَا عَلَيَّ مَا قَرَّرْنَا فِيهَا . (۱۲)

یعنی ، ای وای بر ما ، که در دنیا راه تند روی را پیمودیم ، و از حدود و ثغور دستورات و فرامین الهی تجاوز نمودیم .

سنابراین ، ملاحظه می کنیم ، طبق مفرات و دستورات اسلامی ، در مورد ارشاد و آموزش معارف اسلامی ، و نیز در محور عبادت پروردگار



با مطرح کردن عباراتی مثل : خود داری از شدت ، سختی ، نفرت ورم دادن ، به عنوان ناپسندی افراط کاری برخوردار شده ، و با کارگیری عناوینی مانند : مدارا ، سازگاری ، برقراری رحمت و عطفوت ، منطبق دین به عنوان یک منطق سازگار و سازنده ، با توجه به رعایت حال افراد ، و ظرفیت روانی آنها ، آنان را با ایجاد جاذبه و برقراری شوق و نشاط ، بسوی دین و معارف نورانی اسلام ، دعوت و هدایت می -

تاء سف به خاطر تند روی !

افراط و تند روی ، چون با حالت تعادل و توازن ، که موافق و مطابق با طبع منطقی و عقلایی انسان می باشد مغایرت دارد ، ممکن است در همان حالی که تندی و بی مهابایی اعمال می گردد ، خود انسان هم متوجه زبان و تباهی کار خود نباشد ، اما آنگاه که خود به حالت طبیعی برگردد ، و یا مرور زمان و شرائط دیگر زندگی اجتماعی ، آثار خطا و لغزشهای کار او را آشکار سازد ، قهرا " بر تند روی خود و آثار ویران گری که بر آن مترتب گردیده ، تاء سف خواهد خورد ، گاهی هم افسوس و پشیمانی سودی نخواهد داشت . آثار چنین لغزشها و تبعات زیانبار افراط را هم بارها ، و در مراحل مختلف زندگی و مخصوصا " سخت گیری اخلاقی در خانواده ها و نسبت به آموزش و تربیت نسل جوان مشاهده کرده ایم .

آری ، افسوس و حسرت افراد افراط کار غیر از این که در این جهان و در پهنه زندگی فردی و اجتماعی ، به خاطر اعمال خشن و تند دامن گیر آنان می گردد ، چنین افرادی در قیامت نیز بر خطاها و لغزشهای تند و افراطی خود ، در حالیکه برای جبران خطا هیچ گونه راه چاره ای ندارند ، افسوس و تاء سف درد ناکی خواهند خورد !

قرآن کریم در دومورد وضع اینگونه افراد را در صحرائ محشر این طور ترسیم کرده است

گردانسد .

آری ، حفظ شوق و حال و نشاط و آمادگی پذیرش در جهت رسد و تکامل معنوی انسان آنقدر نقش سازنده دارد ، و رعایت آن لازم الاجرا است که ، پیامبر اسلام فرموده است : **لِيُصَلَّ أَحَدُكُمْ بِشَاظَةٍ ، فَإِذَا كَسَلَ أَوْ فَنَرَ فَلَيقَعِدْ .** (۱۳)

نماز های غیر واجب را هر یک از شما ، با نشاط و حال مساعد انجام دهید ، و هرگاه کسل و سست و بیحال شدید ، از ادامه نماز خودداری کرده و بنشینید ، و با حالت بی‌مردگی و کسالت به نماز ادامه ندهید !

۱- مفردات راغب ، ص ۳۷۶

۲- سوره بقره ، آیه ۱۴۲

۳- سوره بقره ، آیه ۱۸۵

۴- سوره حج ، آیه ۷۸

۵- سوره بقره ، آیه ۲۸۶

۶ و ۷- کنز العمال ، ج ۳ ، ص ۳۵ و ۴۳

۸- سفينة البحار ، ج ۱ ، ص ۶۹۵

۹- وسائل الشیعه ، ج ۱۲ ، ص ۳۴

۱۰ و ۱۱- کنز العمال ، ج ۳ ، ص ۳۳ و ۲۹

۱۲- سوره انعام ، آیه ۳۱ ، و سوره زمر ، آیه

۵۶ به همین مضمون است .

۱۳- کنز العمال ، ج ۳ ص ۳۷ ، شماره ۵۳۵۷

حجت الاسلام احمد صادقی اردستانی



بقیه از صفحه ۱۱

دنیا به او روی آورده است از راه حلال یا حرام و توجهی ندارد باینکه آبرو و ناموس او آلوده شود ، نفس خود را تباه کرده و مروت خود را از دست داده . پسرایشان در جامعیت خویش نابینا و مضطرب اند و فرمود همانا کمک کننده ترین عامل اخلاقی به دین زهد از دنیا است . و فرمود هر کس شش خلعت را در خود جمع کند هیچ مطلبی را برای ورود بهشت ننهداده و هیچ گریز گاهی از آتش را از دست نداده . خدا را بشناسد و از او اطاعت کند ، و شیطان را بشناسد و از او سربیزی نماید دنیا را بشناسد و آنرا ترک گوید ، آخرت را بشناسد و آن را طلب کند باطل را بشناسد و از آن پرهیز کند ، و حق را بشناسد و از آن پیروی نماید . و فرمود (ع) هر کس شائق به بهشت است برای خیرات می شناید ، و هر کس از آتش ترس دارد ، شهوات را ترک می کند ، هر کس مراقب مرگ باشد لذات را ترک می گوید و هر کس پشت به دنیا کند تحمل دشواریها براو آسان می گردد " و فرمود همانا علامت کسی که به اجر و مزد آخرت متمایل است ، پشت کردن او به جلوه های زیبا اما شتابنده دنیا است ، و همانا زهدی که زاهد بکار می برد از آنچه خداوند عزوجل برایش قسمت کرده است نگاهد و اگر چه بی رغبتی نشان دهد ، و حرص حریص به متاع زیبای دنیا چیزی بر بهره او نمی افزاید و هر چند حرص بورزد ، محروم کسی است که از بهره آخرتش محروم گردد .

محمد حسن آموزگار